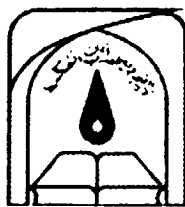




۵۹۶
۲۰۰۶-۱۱-۲۰

۳۹۱۲

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران
توسعه و نشر



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

۱۳۸۰ / ۱۱ / ۲۴

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

اسلوب قصر در دیوان متنبی

نگارنده:

016310

هادی شعبانی چافجیری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر خلیل پروینی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد فاضلی

دی ۱۳۸۰

۳۹۴۱۳

تاییدیه اعضای هیئت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضاء هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقا هادی شعبانی چافجیری

تحت عنوان اسلوب قصر در دیوان متنبی

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می

کنند.

اعضا هیئت داوران

۱. استاد راهنما: دکتر خلیل پروغی

۲. استاد مشاور: دکتر محمد فاضلی

۳. استاد ناظر: دکتر محمود خورسندی

۴. استاد ناظر: دکتر کبری روشنفکر

۵. نماینده شورای تحصیلات تکمیلی: دکتر کبری روشنفکر

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به این که چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند .
ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به مرکز دانشگاه اطلاع دهد .

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

« کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته زبان و ادبیات عرب است که در سال ۱۳۸۰ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر خلیل پروینی و مشاوره جناب آقای دکتر محمد فاضلی از آن دفاع شده است . »

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های نشریات دانشگاه تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به مرکز نشر دانشگاه اهدا کند دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد .

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند .

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید .

ماده ۶: اینجانب هادی شعبانی چافجیری دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم .

تقدیم به:

روان پاک پدرم که یاد و نام او همواره در رگهای وجودیم جاری است و تقدیم به مادرم این عصاره عاشقی و اسوه صبر و شکیبایی. همو که در این فراق ظلمانی جام تلخ شکیبایی را عاشقانه سرکشید و با همت انفاس سحرگاهی و مویه های شامگاهی خواب را از دیدگان خود ربود تا باشد که آسایش فرزندان خویش را بر آرامش خود برگزیند و تقدیم به همسر این نمونه تقوی، جلوه گاه صفا و نمودار وفا. همو که با تحمل و پایداری خویش گرد و غبار خستگیهایم را با همه رسالت مشقت بار فرهنگی از سراسر وجودم زدود و تقدیم به دو ثمره عزیز زندگانیم، که برق نگاه معصومانه و کودکانه ایشان تسکین بخش آلام زندگانیم اند.

تقدیر و تشکر:

ما بدان مقصد عالی توانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

اکنون که به توفیق حضرت لم یزلی و عنایات بی منت رحمانی، نهال اندیشه ام اینگونه بر صحیفه کاغذ بالیده و به بار نشسته است بر خود فرض می دانم تا از زحمات خستگی ناپذیر و رهنمود های صادقانه و راهبردی استاد ارجمند جناب آقای دکتر خلیل پروینی سپاس و تشکر نمایم آن که پیوسته در سراء و ضراء، شدت و رخاء و هم و غم روزگار با راهنمایی های خود مرا از خلل و خلل باز می داشت تا به امید خدمتی ناچیز به فرهنگ و معارف این مرز و بوم دیده از پشت پای خجالت بردارم و برگ سبز تحفه خویش را به بلندای آستان زبان و ادبیات عرب تقدیم نمایم. همچنین از استاد دانشمند و فاضلم جناب آقای دکتر محمد فاضلی که با مشاوره های راهگشای خود پشتیبان این مبتدی نا آشنای پژوهش گردید، تقدیر و تشکر نمایم. اگر نبود پایمردی های او که از معدن صبر و شکیبایی مایه گرفته بیم آن می رفت که این مختصر اینگونه سامان نیابد. همچنین به حکم شرع و عقل سپاس از استاد فاضل و شاعر، دکتر سید امیر محمود انوار را بر خود فرض می شمارم آن که تشویق های بی دریغ او تحرک بخش کارم می شد. « هر کجا هست خدایا به سلامت دارش ».

اینک بر خود لازم می دانم تا از تمامی اساتیدی که در دوران تحصیل با رهنمودهای خویش مرا یاری کردند و از دوستان خوب و بزرگوام آقایان: عبدالحمید احمدی، ابوالفضل رضایی و سید علی قاسم زاده که در برخورد با مشکلات صبورانه پاسخگوی پرسشهایم بودند، تشکر و قدر دانی نمایم.

در پایان امید است که اساتید و دانشجویانی که به نحوی این خدمت ناچیز را از نظر می گذرانند به مصداق: « ما لا یدرک کله لا یتدرک کله » این « وجود ناقص » را به از « عدم صرف » بنگرند و به

خُلقِ خدایِ رحمان عمل نمایند که: شنیدم که در روز امید و بیم بدان را به نیکان ببخشد کریم

تو نیز از بدی بینیم در سخن به خلق جهان آفرین کار کن

چکیده

علم بلاغت علمی است که به مطابقت کلام با مقتضای حال و شناخت ظرافت های کلام و دستیابی به رموز آن می پردازد. این علم به سه قسم: معانی، بیان و بدیع تقسیم می شود. یکی از مسائلی که در علم معانی مطرح شده است، بحث قصر و حصر است که به معنی: اختصاص دادن چیزی به چیز دیگر است. این اختصاص به دو صورت حقیقی و اضافی یا صفت و موصوف است.

از فایده های این بحث؛ تأکید، مبالغه، ایجاز و ... می باشد. اسلوب های قصر شامل: نفی و استثناء، انما، عطف، تقدیم ما حقّه التأخیر، ال جنس و ضمیر فصل است. یکی از شاعرانی که در اشعارش از این اسلوب ها به ویژه اسلوب نفی و استثناء پیروی نموده است، متنبی است؛ که حدود چهار صد بیت از اشعار وی در برگرفته این معناست. او از برجسته ترین شاعران دوره عباسی و شاعر دربار سیف الدوله میباشد که اسلوب قصر در دیوان وی بیشتر دارای رنگ و بوی حقیقی ادعائی است.

کلمات کلیدی: اسلوب، قصر، متنبی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲	سابقه تحقیق
۲	فرضیه ها
فصل اول: نگاهی گذرا به زندگی متنبی و شخصیت ادبی او	
۴	۱-۱- زندگی متنبی
۶	۲-۱- أغراض شعری متنبی
۱۱	۳-۱- جایگاه ممتاز متنبی در شعر و ادب
۱۸	۴-۱- آثار متنبی
فصل دوم: قصر	
۲۲	۱-۲- تعریف قصر
۲۴	۲-۲- مواضع قصر
۲۵	۳-۲- انواع قصر
۲۷	۱-۳-۲- تقسیم قصر به اعتبار دو طرف آن
۳۰	۲-۳-۲- تقسیم قصر به اعتبار حقیقت و واقع
۳۴	۳-۳-۲- تقسیم قصر به اعتبار حال مخاطب
۳۶	۴-۲- طرق قصر
۴۰	۵-۲- فایده های قصر
فصل سوم: قصر در دیوان متنبی	

۴۳ ۱-۳- انواع قصر در دیوان متنی
۴۸ ۲-۳- اسالیب قصر در دیوان متنی
۵۶ ۱-۲-۳- اسلوب نفی و استثناء
۸۴ ۲-۲-۳- اسلوب إنما
۹۳ ۳-۲-۳- اسلوب عطف
۹۸ ۴-۲-۳- اسلوب تقدیم ما حقّه التأخیر
۱۰۴ ۵-۲-۳- اسلوب « الـ » جنس
۱۰۹ ۶-۲-۳- اسلوب ضمیر فصل
۱۱۰ ۳-۳- فایده های بلاغی قصر در دیوان متنی
۱۱۵ نتیجه
۱۱۸ فهرست منابع
۱۲۱ خلاصه عربی
۱۲۶ خلاصه انگلیسی

مقدمه

آدمی برای توصیف زیبا ترصور ذهنی از اندیشه ها و تخیلات گوناگون که در آینه ذهنش پدیدار می شود، و عینیت بخشیدن به یافته های ذهنی و ادای صحیح و تأثیر گذار آن به فکر افتاد تا کلامش را به زیور فصاحت و بلاغت بیاراید. فصاحت و بلاغتی که معیار سخن صحیح و ارزشمند است و بی آندو کلام دچار عیب و نقص می گردد. علم بلاغت شامل سه فن: معانی و بیان و بدیع می باشد که این سه فن در آغاز یک علم تحت عنوان « علم البلاغة » قلمداد می شد تا این که بعدها به مرور زمان هر کدام به صورت علمی جداگانه در آمد. در بین این سه علم، علم معانی که واضع آن عبدالقاهر جرجانی می باشد، شامل اصول و قواعدی است که متکلم به واسطه آن، سخن خود را به مقتضای حال و مقام مخاطب بیان می دارد. این علم مباحث مختلفی را شامل می شود که یکی از آنها بحث قصر و حصر است که مقصود اصلی این نوشتار است. این بحث که از مباحث مهم علم معانی به شمار می رود، توجه شاعران و نویسندگان زیادی را به خود معطوف ساخته است تا جاییکه آنها به قصد بیان سخنی موجز و مبالغه آمیز، نوشته ها و دواوین خود را پُر از این معنی نمودند. متنبی شاعر دربار سیف الدوله، از شاعران برجسته دوره عباسی و همپایه سعدی شاعر پارسی، از جمله ایشان است. می توان گفت حدود چهار صد بیت از دیوان متنبی بیانگر معنای قصر است که وی در برخی از آن ابیات شخصیت ممدوح خود را بیش از اندازه بالا می برد و در برخی از ابیات هم خواسته است مطالب قبلی خود را تأکید نماید. این نوشتار شامل سه فصل می باشد که؛ در فصل اول نگاهی گذرا به زندگی متنبی و شخصیت ادبی وی داریم و در فصل دوم مسائل مربوط به قصر را با توجه به نظرات تعدادی از علمای علم بلاغت آورده ایم و در فصل سوم به بررسی قصر در دیوان متنبی پرداخته ایم. در این راستا نخست انواع قصر سپس سالیب آن و بیت مربوط به هر یک با

توجه به اهمیت هر کدام، به ترتیب آورده شده اند که؛ این کار همراه با ترجمه لغوی بعضی از لغات است. در نهایت با ذکر فواید بلاغی مربوط به قصر در ابیات مذکور و نتیجه، نوشتار را به پایان رسانیده ایم. به امید این که این کار گامی - هر چند کوچک و ناقص - در جهت فهم و درک بهتر علوم بلاغی و آموختن قواعد آن باشد. ان شاء الله.

سابقه تحقیق

در مورد زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متنی تحقیقات زیادی صورت گرفته است اما هیچ یک از محققان به اسلوب قصر در دیوانش نپرداخته اند. بلکه به طور پراکنده نمونه اشعاری از او در این رابطه در کتابهای علوم بلاغی آورده شده است.

فرضیه ها:

۱- در دیوان متنی حدود چهار صد بیت است که از آن می توان اسلوب قصر را فهمید. ۲- از قصر حقیقی و اضافی و از قصر صفت بر موصوف و موصوف بر صفت و طرق نفی و استثناء و آنما و ال جنس و تقدیم و تأخر و ضمیر فصل استفاده کرده است. ۳- در بعضی از ابیات، شخصیت ممدوح خود را بیش از حد بالا برده است و در آن مبالغه نموده است و در برخی از ابیات هم مطالب قبل را تأکید کرده است.

روز طهارت است: آن عملی است
که در آن روز است: آن عملی است
که در آن روز است: آن عملی است

فصل اول

نگاهی گذرا به زندگی متنبی و شخصیت ادبی او

۱-۱. زندگي متنبی

وی ابوالطیب احمد بن الحسین الجعفی الکوفی ملقب به متنبی است . در کوفه به سال ۳۰۳ هجری در محله ای بنام کنده دیده به جهان گشود .^۱ مادر وی از اهالی همدان از قبیله های یمن بود .^۲ او در زمان کودکی اش به شام رفت و در آنجا بزرگ شد و ادب آموخت . با بسیاری از ادیبان مشهور چون الزجاج^۳، ابن السراج^۴ ابوالحسن الأخفش^۵، ابوبکر محمدبن درید^۶ و ابوعلی الفارسی^۷ رفت و آمد داشت و از علمشان استفاده کرد .^۸ او نابغه زمانش در صنعت شعر و تنها پرچمدار آن بود؛ به طوری که کسی را یارای مقابله با او نبود .^۹ وی بخاطر این که در بادیه سماوة از نواحی کوفه ادعای نبوت نمود، ملقب به متنبی گردید .^{۱۰}

^۱ - مصطفی، سبیب، شرح دیوان ابی الطیب المتنبی، المجلد الاول، الطبعة الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۶م، ص ۳ . و احمد حسن، الزیسات، تاریخ الادب العربی، الطبعة الرابعة و عشرون، بی تا، ص ۲۹۷ .

^۲ - طه، حسین، من تاریخ الادب العربی، المجلد الثالث، طبع ۵، بیروت، دارالعلم للملایین . ۱۹۹۱م، ص ۱۹ .

^۳ - ابراهیم بن السری بن سهل ابواسحاق الزجاج (۲۴۱ هـ / ۳۱۱ م) : وی نحوی و لغت شناس مشهور است که در بغداد می زیست . از آثار وی؛ معانی القرآن، الإشتقاق، الأعلی و ... است . (خیرالدین، الزرکلی، الاعلام، المجلد الاول، الطبعة السابعة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۴م، ص ۴۰ .

^۴ - ابوبکر محمدبن السری بن سهل (... ۳۱۶ هـ) : او یکی از مشهورترین پیشوایان نحو و ادب و شاگرد مود بود . از آثار وی: کتاب الاصول، کتاب الإشتقاق و ... است . (بطرس، البستان، دائرة المعارف، مجلد ۱، بیروت، دارالمعرفة، بی تا، ص ۵۱۳ - ۵۱۲ .

^۵ - ابوالحسن سعیدبن مسعدة الجعفی (... ۳۱۵ هـ) : وی نحوی مشهور است . از آثارش: کتاب المروض، کتاب القوال، کتاب معانی الشعر و ... می باشد . (همان، جلد دوم، ص ۶۱۵) .

^۶ - ابوبکر محمد بن حسن بن درید الأردی (۲۲۳ هـ / ۳۲۱ م) : وی از پیشوایان لغت و ادب و شعر در بصره بود . از آثارش: کتاب الجمهرة، کتاب الإشتقاق، کتاب زواجر العرب و ... است . (همان، جلد اول، ص ۴۷۶) .

^۷ - الحسن بن محمدبن سلیمان ابان الفارسی (۲۸۸ هـ / ۳۷۷ م) : وی از نحویان مشهور است . از آثارش: کتاب الإيضاح، التکملة فی النحو و ... می باشد . (همان، جلد دوم، ص ۲۷۲) .

^۸ - بطرس، بستان، آراء العرب فی الأعصر العباسیة، بیروت، در صبح عهود، بی تا . ص ۳۲۷ .

^۹ - مقتضی، سنی، بی تا، ص ۳ .

^{۱۰} - ابی الفداء، المعکزی، دیوان ابی الطیب المتنبی المسمی التبیان و شرح الدیوان، الطبعة الاولى، بیروت، دار انکب حلیه، ۱۹۹۷ م، ص ۳ .

و نیز درباره لقبش گفته شده است که: در قصیده ای خود را به پیامبر تشبیه کرد که مطلع آن این

بیت می باشد .

كَمْ قَتِيلٍ كَمَا قَتَلْتُ شَهِيدٍ بِيَبَاضِ الطَّلِيِّ وَ وَرْدِ الْخَنُودِ^۱

یا در ابیاتی دیگر از همین قافیه گفته:

مَا مَقَامِي بِرَضِ نَخْلَةٍ إِلَّا كَمَقَامِ الْمَسِيحِ بَيْنَ الْيَهُودِ^۲

و نیز بیت:

أَنَا فِي أُمَّةٍ تَدَارِكُهَا الْأُ هُ غَرِيبٌ كَصَالِحٍ فِي ثَمُودِ^۳

باز درباره لقبش گفته اند که: « ... ظاهراً دشمنانش این لقب را از روی حسد و عداوت به وی

اطلاق کرده اند .^۴ »

همچنین در این رابطه آمده است که: متنبی بخاطر سختی هایی که میان مردم و اهل خودش

متحمل شد، حالت خود را به حالت مسیح (ع) و صالح پیامبر (ع) تشبیه کرد که این امر سبب شد

وی به متنبی مشهور گردد .^۵

در هر حال امیر حمص، متنبی را پس از آشکار شدن ادعایش درباره نبوت به بند کشید و او را

به توبه واداشت و پس از آن آزادش کرد .

وی پس از آزادی از زندان در شهرهای شام به گشت و گذار و مدح امیران آن پرداخت تا این

که از قضا در سال ۳۳۷ هجری به سیف الدوله برخورد^۶ و سیف الدوله با اکرام و بزرگی از

او استقبال کرد .

^۱ - عبدالرحمن، العرفوقی، دیوان ابی الطیب النسی، المجلد الأول، بیروت، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، ج ۱، ص ۳۲۴ .

^۲ - همان، ص ۳۲۸ .

^۳ - همان، ص ۳۳۱ .

^۴ - حسین عنی، محفوظ، متنبی و سعدی، چاپ اول، روزه، ۱۳۳۶، ص ۲ .

^۵ - محمد، وصی، التعریف ناشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۱۳، ص ۹ .

^۶ - عمر، فروع، تاریخ الأدب العربی، الجزء الثانی، صفة ذوی، بیروت، دارالعلم لعملا، ۱۹۶۸، ص ۴۶۰ .

وی مدتی نزد او زندگی کرد و به مدحش پرداخت تا این که در سال ۳۴۶ هجری اختلافی میان این دو رخ داد و این امر سبب شد که متنبی راهی مصر شود و به مدح امیر آنجا «کافور اخشیدی» بپردازد و کافور نیز در قبال آن عطایا و وعده های بسیار به او داد اما به وعده های خود عمل نکرد. متنبی که با خلف وعده کافور روبرو گشت از مدحش دست برداشت و او را هجو نمود. وی در سال ۳۵۰ هجری به سوی بغداد حرکت کرد^۱ و پس از مدتی راهی سرزمین فارس گردید. در گذرش از ارجان، ابن العمید وزیر رکن الدوله بویه را مدح کرد و سپس به سوی شیراز که عضدالدوله بویه در آنجا بود، رفت و به مدحش پرداخت. در اوایل شعبان سال ۳۵۴ هجری به سوی بغداد حرکت نمود و از آنجا به سوی کوفه رفت. در بین راه؛ نزدیکی دیر عاقول از نواحی بغداد، فاتک بن جهل اسدی که بخاطر هجای مادرش از او کینه در دل داشت، به وی و پسر و غلامش دست یافت و همگی را کشت^۲.

پس بطور خلاصه می توان زندگی متنبی را به چهار مرحله تقسیم نمود که عبارتند از:

- ۱) مرحله اول: از سال ۳۰۳ تا ۳۳۷ هجری در عراق و شام.
- ۲) مرحله دوم: از سال ۳۳۷ تا ۳۴۶ هجری در حلب.
- ۳) مرحله سوم: از سال ۳۴۶ تا ۳۵۰ هجری در مصر.
- ۴) مرحله چهارم: از سال ۳۵۰ تا زمان وفاتش در سال ۳۵۴ هجری در عراق و فارس^۳.

۲-۱. أغراض شعری متنبی

^۱ - من، ص ۴۶۲.

^۲ - عریس، سنی، أدباء العرب فی أواخر عباسیة، پیشین، ص ۳۲۴.

^۳ - محمد یوسف، قرآن، أبو الطیب السنی بشید الصحراء الخالد، الطبعة الأولى، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۰ م، ص ۳۲.